

Research Article

Fundamentals of Legislative Transparency from the Qur'an, Narrations and Good Governance Perspective

Heidarali Noroozpour^{1*}, Kheyrollah Parvin², Vali Rostami³, Iraj Sadrabadi⁴

Abstract

Transparency, which means the openness and availability of information for survey and monitoring, is a central issue in governance, decision making and rule making. From the point of view of Islamic political thought, religious democracy is not based on the raw and unconscious opinions of the people, but its essence is formed by the awareness of the people; And the duty of the Islamic ruler as the trustee of the people is to discuss the issues of the society in a transparent and honest way with the people. Transparency is a very important issue in democracies, to the extent that free access to information and its publicity is the first condition for combating corruption and holding officials accountable. In this study, we seek to understand the approach of Islam to the category of transparency; And we came to the conclusion that the transparency of the Islamic government is one of the categories considered in religious Doctrines; In a way that the tradition and manners of the infallibles have been confirmed and its multiple bases and function has been emphasized everywhere in Islam. Also, the transparency index is a requirement of governance and legislation for society management in both views of good governance theory components and Qur'an and hadiths emphasis.

Keywords: Transparency, Government, Accountability, Tradition and Manners of Imams

1. Public Law PhD Student, Tehran Science and Research Unit, Azad University, Tehran, Iran

2. Professor of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Associate Professor of the Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

4. Assistant professor, faculty member of the University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

Correspondence Author: Heidarali Noroozpour

Email: heidamoroozpour@gmail.com

DOI: 10.30495/QSF.2022.695173

Receive Date: 11.04.2021

Accept Date: 19.06.2021

مبانی حاکم بر شفافیت قانون گذاری از دیدگاه قرآن، روایات و حکمرانی خوب

حیدرعلی نوروزپور^{۱*}، خیراله پروین^۲، ولی رستمی^۳، ایرج حسینی صدرآبادی^۴

چکیده

شفافیت، به معنی آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات جهت بررسی و نظارت، از موضوعات محوری در حکومت داری، تصمیم گیری و وضع قوانین است. در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مردم سالاری دینی بر آرای خام و ناآگاهانه‌ی مردم استوار نیست، بلکه جوهر آنرا آگاهی مردم شکل می‌دهد و وظیفه‌ی حاکم اسلامی به‌عنوان امانتدار مردم این است که مسائل جامعه را به‌گونه‌ای شفاف و صادقانه با مردم در میان گذارد. شفافیت در حکومت‌های مردم سالار به قدری اهمیت دارد که دسترسی آزادانه به اطلاعات و علنی بودن آن شرط اول مقابله با فساد و پاسخگویی مقامات به حساب می‌آید. در این تحقیق به دنبال شناخت رویکرد اسلام به مقوله‌ی شفافیت هستیم؛ و بدین نتیجه رسیدیم که شفافیت حکومت اسلامی جزو مقوله‌های مورد توجه در آموزه‌های دینی است؛ به نحوی که سنت و سیره‌ی معصومین نیز بر آن صحنه گذاشته و آثار متعدد آن در جای‌جای دین مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین هم در مولفه‌های حاکم بر نظریه حکمرانی خوب و هم در تأکیدات قرآن و روایات، شاخص شفافیت از ملزومات حکومت داری و تشریح قوانین لازم برای اداره جامعه به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: شفافیت، حکومت، پاسخگویی، سنت و سیره ائمه

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲. استاد تمام حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه آموزشی حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

امروزه اصل شفافیت مورد اقبال روزافزونی واقع شده و از منظر علوم و رشته‌های مختلف، مبانی و آثار مختلفی نیز برای آن بیان شده است. اسلام یک دین کامل و جامع است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد؛ لذا معقول است که انتظار داشته باشیم نسبت به این مسأله نیز بتوان دیدگاه خاصی را از آموزه‌های اسلامی استنباط و استخراج نمود.

نوآوری این پژوهش در استخراج موضوع نوین شفافیت (که بحث روز مجلس شورای اسلامی و حاکمیت است) از آیات و روایات اسلامی است. به طوری که با تطبیق نظریه رویکرد مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب با آموزه‌های دینی، میزان سازگاری آنها با هم شناخته شده و رویکرد بومی و اسلامی برای شفافیت به دست خواهد آمد.

در ادامه و پس از پیشینه بحث، به منظور ورود به بحث اصلی، ناگزیر از مروری گذرا بر ادبیات، بعضی مفاهیم بنیادین مورد استفاده در پژوهش هستیم.

سوال اصلی مقاله حاضر این است که دیدگاه اندیشه‌ی سیاسی اسلام نسبت به مبانی و آثار اصل شفافیت چگونه است؟ این مقاله مبتنی بر این فرضیه نگاشته شده است که مفهوم، مؤلفه‌ها و آثار اصل شفافیت جزو مقوله‌های مورد تأکید و توجه در آموزه‌های قرآنی و روایی است؛ دارای مبانی فقهی است، به نحوی که سنت و سیره ائمه (ع) نیز بر آن صحنه می‌گذارند.

نگارندگان درصدد تبیین این مسأله هستند که اساساً در اندیشه‌ی سیاسی اسلام چرا باید عملکرد حکومت‌ها واجد خصیصه‌ی شفافیت باشد و در نتیجه، عمل به این مقوله چه آثاری را در جامعه ایجاد خواهد کرد.

به طور خلاصه محققین در این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که:

- رویکرد اسلام به مقوله‌ی شفافیت چگونه است؟
- نظر قرآن در خصوص شفافیت چیست؟
- روایات در این زمینه چه گفته‌اند؟
- و ائمه اطهار چه روشی را در راستای شفافیت داشته‌اند؟

به نوعی می‌توان ویژگی‌هایی که برای مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی مستلزم داشتن اطلاعات لازم و صحیح و عملکرد شفاف و آگاه کردن مردم از آنچه در کار حکومتی می‌گذرد، خواهد بود؛ و تحقق این امر بر اساس شاخص‌هایی همچون مشورت، نصیحت ائمه مسلمین، امانت بودن حکومت، قاعده حفظ نظام اسلامی و ... است که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه تحقیق حکایت از آن دارد که پژوهش‌های انجام شده در این خصوص بیشتر معطوف به نقش ساختارهای مالی و مدیریتی در امر شفافیت بوده است و از منظر ساختارهای حقوقی آنگونه که باید موضوع مورد واکاوی قرار نگرفته است. در همین حال برخی پژوهش‌ها به موضوع شفافیت در ابعاد دولتی و

پارلمانی پرداخته‌اند. عبدالحسین زاده و ثنایی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان "تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی" با مطالعه تجربیات جهانی شفافیت در قراردادهای، جلسات شورایی، ارزیابی کارکنان و عملکرد نشان دادند که شفافیت ابزار کارآمدی، مبارزه با فساد، کنترل، نظارت، کارآمدی و توانمندسازی خطمشی‌ها می‌باشد. در پژوهشی زنده و سالارسروی (۱۳۹۲) به موضوع حق دسترسی به اطلاعات و تاریخچه آن می‌پردازند و ضرورت وجود شفافیت در اسناد و مدارک و عوامل محدودکننده آن را شناسایی می‌کنند. در پژوهشی بهادر (۱۳۹۰) به بررسی موانع قانونی شفافیت در ایران پرداخته است و ضمن اشاره به معایب قوانین فعلی، توصیه‌هایی را برای تغییر آنها پیشنهاد می‌کند. رضائی‌زاده و احمدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان "مبانی حق دسترسی شهروندان به اسناد اطلاعات دولتی" اصل دسترسی به اطلاعات را مورد واکاوی قرار می‌دهد و مهم‌ترین ویژگی‌های اصل شفافیت را دسترسی داشتن به مدارک و اطلاعات دولتی می‌داند. انصاری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی مفهوم و زمینه‌های آزادی اطلاعات و چگونگی کاربرد اصول و مقررات مربوط به آزادی اطلاعات در ایران و مقایسه این اصول و مقررات با قوانین برخی از کشورها می‌پردازد. محققین دیگر هم به این نتیجه رسیده‌اند که پاسخگویی در دین اسلام جایگاه والایی دارد و خداوند متعال در آیات فراوانی اهمیت آن را به پیامبر و مردم گوشزد می‌نماید. رهبران جامعه اسلامی از جمله پیامبر بزرگ اسلام همیشه خود را مقید به آن می‌دانست و همچنین گونه‌ها و جلوه‌های پاسخگویی در سخنان و سیره علی^(ع) در حد اعلائی آن قابل مشاهده است. پاسخگویی در قرآن کریم و درسرخان امام علی^(ع) و گزارش‌های تاریخی معطوف به شیوه کشورداری آن حضرت به شکلی صریح، قابل ردیابی است. (آل کجیاف، ۱۳۹۱: ۳۱)

شفافیت

"شفافیت" به چیزی گفته می‌شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد (عمید، ۱۳۷۸: ۸۴۸)؛ به معنای درخشندگی نیز آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۶۲۰) در سیستم‌های شفاف، تصمیم‌گیری با عقل جمعی صورت می‌گیرد. یک حکمرانی شفاف، روشن می‌سازد که آنچه انجام می‌شود، چگونه و چرا انجام می‌شود و بر اساس چه استانداردهایی تصمیم‌گیری شده است. (ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸۵)

آزادی اطلاعات

برای تحقق آرمان‌های شفافیت، راه‌های عملی مختلفی اندیشیده شده است که یکی از آنها، تضمین آزادی اطلاعات برای شهروندان است. (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۰۶). فقدان آزادی اطلاعات، معلول وجود فرهنگ اسرارگرایی در حکومت‌های جهان است (همان: ۱۵۱). البته شفافیت، وسیع‌تر از آزادی اطلاعات است.

از دیدگاه قرآن و روایات

از مجموع این دستورات دینی برداشت می‌شود که اظهار حقایق با هدف آگاهی مردم و منع از کتمان حقایق از سوی افراد آگاه، امری است که مورد تأکید آموزه‌های اسلام است. در اسلام، مردم باید محرم حاکمیت و آگاه از رویدادها باشند؛ یعنی حکومت دینی باید عملکردی شفاف داشته باشد. این یک حق همگانی است و بدون ادای آن، تکلیفی به اطاعت و حمایت از حکومت نیز وجود ندارد.

شورا و مشورت

یکی از مهمترین اصول سیاست اسلامی، اصل مشورت است که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای اصل شفافیت محسوب گردد. این حق مردم است که در تمامی سیاست‌گذاری‌ها، طرف مشورت قرار گیرند؛ از جهتی دیگر نیز این امر برای دولتمردان یک تکلیف به حساب می‌آید. در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی شوری بیان شده است که در امور مرتبط با شئون عامه، باید با مشورت انجام گیرد و این وصفی است که به صورت اخبار آمده و حتمیت را می‌رساند. با بررسی آیات و روایات در این خصوص می‌توان یک مصونیت جمعی برای انبوه امت لحاظ کرد. به‌عبارتی، آرای عمومی و اکثریت قاطع از جانب حق، بیمه شده است. آیات نکوهش از تفرق (روم: ۳۲ و آل‌عمران: ۱۰۵) منع از تنازع (انفال: ۴۶) اعتصام (آل‌عمران: ۱۰۲)، اتباع سبیل (انعام: ۱۵۳) و دیگر آیات بر همین امر تأکید دارند.

حتی رسول اکرم (ص) نیز به مشورت با مردم در امور توصیه شده‌اند (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ اگر ایشان مکلف به مشورت هستند، حاکمان اسلامی تکلیف بیشتری بدان دارند. تکلیف در مراجعه پیامبر (ص) به مردم، درحالی‌که از اشتباه مصون‌اند، برای هدف‌های دیگری مانند سرمشق بودن برای دیگر والیان است (أصفی، ۱۳۸۵: ۳۶۲). امام علی (ع) هم به کارگزاران خود بر نفی نگرش مستبدانه، بهره‌مندی از افکار، پیشنهادهای و مشاوره‌های دیگران تأکید می‌کردند (نهج‌البلاغه، حکمت‌های ۱۶۱، ۵۴، ۳۲۱ و نامه‌های ۵۳، ۲۷ و ۲۸). مشورت، باعث رفع اختلاف، پدید آمدن آگاهی و بصیرت، تشخیص گزینه‌ی اصلاح (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۱: ۱۵۰) جلوگیری از خودرأیی، استبداد و عجله در تصمیم‌گیری (سیوطی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۹۰) شخصیت دادن به امت و رشد فکری مردم می‌شود.

مجموع ویژگی‌های فوق‌مبین آن است که مشورت و شفافیت را لازم و ملزوم یکدیگر است و هرکدام به‌عنوان مبنایی برای دیگری به حساب می‌آید.

نصیحت ائمه مسلمین

نصیحت، خیرخواهی است، یعنی گفتار یا عملی که در آن خیر منصوح، منظور شده باشد. ریشه آن از «نصحت العسل» به‌معنای تصفیه عسل گرفته شده است (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۶۹۳). برخی دیگر، اشتقاق آنرا از «نصحت الثوب» به‌معنای دوختن لباس دانسته‌اند، چراکه خیاط با کار خود مواضع فرسوده جامه را، ترمیم می‌کند. (شرح ملاصالح مازندرانی بر اصول کافی، ج ۹: ۹۴ و مرآة‌العقول، ج ۹: ۱۴۲)

در قرآن کریم به دعوت انبیای الهی به‌عنوان «نصیحت» و خود پیامبران به‌عنوان «ناصح» معرفی شده‌اند. مثلاً: «و ابلیغم رسالات ربی و انصح لکم» (اعراف، ۷) پیام‌های پروردگرم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم. نصیحت متقابل مردم و حکومت «النصیحه لائمة المسلمین» یک تعبیر ریشه‌دار است و به سخنانی که از روی نهایت خلوص نیت، خیرخواهی و عاری از تقلب، فریب و تزویر گفته می‌شود. (رشیدرضا، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۸۷)

منشأ این عنوان از پیامبر گرامی اسلام است که در حجه‌الوداع، ضمن سخنرانی در مسجد خیف آنرا بیان فرمودند. این امر در بیانات ائمه‌ی اطهار (ع) به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های امت اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته

است؛ تا آنجا که محدثان شیعه همچون مرحوم کلینی، محدث کاشانی و علامه مجلسی در جوامع روایی، فصلی را به این عنوان اختصاص داده‌اند (سروش‌محلّاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۵)

مولای موحدان علی^(ع) هم فرموده‌اند: «نصیحت، نتیجه محبت است» (نوری الطبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۴۲۹)

یا «نصیحت، دوستی به‌بار می‌آورد» (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۲)

خیرخواهی و نصیحت، زبان خاصی نمی‌شناسد و ناصح بر اساس تشخیص خود و در جهت خیر منصوح، تلاش می‌کند (سروش‌محلّاتی، ۱۳۷۵، ۱۴۰) چنانکه امیرمؤمنان انتقادهای صریح خود از عثمان را نصیحت می‌داند و در نامه‌ای به معاویه می‌نویسد: «گاه می‌شود که اندرزگو در معرض بدگمانی است» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۸) این تأکیدات می‌توان گفت که نصیحت والیان و حاکمان از دو صبغه دارای اهمیت است:

الف) اطلاع‌رسانی و ارشاد:

در هر نظام سیاسی، سازمان‌های خاصی مسئولیت گردآوری اطلاعات و ارائه آن به اولیای امور را برعهده دارند، تا براساس این آگاهی‌ها، و با اطلاعات، تصمیم‌گیری نمایند.

ب) کنترل و اصلاح:

وقتی زمامدار جامعه رفتار خود را در معرض دید و انتقاد مردم بداند و برای آنها در اظهارنظر، دآوری، انتقاد و اعتراض، حقی قائل باشد، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند پاسخگوی آن‌ها باشد. اساساً حاکم اسلامی باید بداند که مردم با دقت فراوان بر سخن و عمل او چشم می‌دوزند و عملکرد او را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. حضرت علی (ع) این واقعیت را به مالک اشتر یادآور می‌شوند: «مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای والیان پیش از خود می‌نگری و درباره تو آن می‌گویند که درباره آنان می‌گویی». پس مردم علاوه بر اطاعت و پایبندی به بیعت، باید با نصیحت و خیرخواهی و ارائه‌ی هر چه بهتر حقایق و واقعیتها، پیش‌قدم باشند. درواقع، نصیحت یک مقدمه دارد که همان شفافیت و اطلاع‌رسانی به مردم است. این مقدمه باید توسط حکومت انجام شود تا ذی‌المقدمه را مردم بتوانند به‌خوبی به‌انجام رسانند. مردم وقتی می‌توانند خیرخواهی و نصیحت بکنند که اطلاعات کافی در مورد عملکرد حکومت داشته باشند و زمامداران آنها را محرم اسرار خود بدانند.

حکومت؛ امانتی از سوی خداوند و مردم

امانت در نگرش دینی با امانت در نگرش‌های مادی متفاوت است. در نگرش مادی ممکن است حکومت صرفاً امانتی اجتماعی تلقی بشود، اما این امانت در بینش الهی امانتی است از سوی خدا و مردم و البته این امانت‌ها طولی و ترتیبی هستند و ریشه آنها، امانت الهی، سپس امانت اجتماعی و سپس امانت از سوی فرادستان در سلسله‌مراتب مسؤولیت است؛ بدین معنا که مدیر باید مسؤولیت و منصب پذیرفته‌شده را امانتی تلقی کند که بر اساس سلسله‌مراتب از خدا به ولی و از ولی به او واگذار شده است (اعرافی، ۱۳۸۰: ۲۶).

حکومت؛ امانت خداوند

قدرت اصالتاً متعلق به شخص خاصی نیست و هیچکس حق مالکیت نسبت به آن را ندارد. درگردش‌بودن آن دلیل بر عدم مالکیت ذاتی آن است. بنابراین، تنها خداوند است که نسبت به آن مالکیت تام دارد و چون انسان ملک و مُلک خود را از خداوند دریافت می‌کند، لذا مالکیت او در طول و بالتبع است و به‌تعبیر دقیق‌تر،

سلطه انسانی که دارای ولایت یا مالکیت است، صرفاً ظهوری از ملک و ملک الهی است. (سروش محلاتی، ۱۳۷۸: ۳۷۶). از این روست که خداوند هم رسالت و نبوت را امانت می‌کند و از قول پیامبران؛ مانند حضرت نوح، هود و صالح می‌فرماید: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»؛ (شعراء ۱۰۷ و ۱۲۵؛ اعراف ۶۸). علی^(ع) زمامدار را امین خداوند در زمین می‌داند و می‌فرماید: «همانا زمامدار، امین خدا در زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و ... است» (خوانساری، ج ۲، ۱۳۴۶: ۶۰۴). ایشان در خصوص مملکت‌داری «بنی‌امیه» می‌فرمود: «نگاه مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲).

حکومت: امانت مردم

یکی از حقوق مردم، این است که حکومت در دست حاکم، امانتی است که مردم آن را به او سپرده‌اند و نقش حاکم، نقش یک «وکیل»، «امین صالح» و «راعی و نگهبان» و نقش مردم، نقش «موکل» و «صاحب حق و امانت» است و از این دو - حکمران و مردم - اگر بناست یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده مردم محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران (مطهری، ۱۳۵۴: ۱۲۸).

برپایه همین حق، تعلق حکومت به مردم است که حضرت علی^(ع) در مناسبت‌ها و مواضع عدیده انتخاب و تعیین حاکم را حق مردم می‌دانست: «ای مردم! این امر (حکومت)، امر شماست. هیچکس جز آنکه شما او را امیر خود گردانید، حق امارت و حکومت بر شما را ندارد» (ابن اثیر، ج ۳، ۱۳۸۵: ۱۹۴). حضرت، نظام حکومتی امت را بر پایه امانت دانسته و هرگونه رویکرد مالکانه و غیر عادلانه را خیانت به امانت و امت اسلامی خوانده است (احمدی‌میانبجی، ۱۳۷۴: ۳۴). ایشان در بخشنامه‌ای به مأموران مالیاتی خود به‌عنوان خزانه‌داران مردم، وکلای رعیت یاد می‌کند و می‌فرماید: «به‌عدل و انصاف رفتار کنید. به مردم درباره خودتان حق بدهید. پرحوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم تنگ‌حوصلگی نکنید که شما گنجوران رعیت و نمایندگان ملت و سفیران حکومتید (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱).

نائینی در این خصوص می‌گوید: «رجوع حقیقت سلطنت اسلامی، بلکه در جمیع شرایع و ادیان به باب امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترک نوعیه، بدون هیچ مزیت برای شخص متصدی، از اظهر ضروریات دین اسلام و بلکه تمام شرایع و ادیان است» (نائینی، ج ۱، ۱۴۲۴: ۷۱).

خداوند فرمان داده است که امانت‌ها به اهلش سپرده شوند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸). حکومتی که از جانب خداوند به کسی محول می‌گردد، یا مردم به شخصی واگذار می‌کنند، از بزرگترین امانت‌هاست و تکلیف نسبت به آن، بسیار خطیر است. از زیدبن‌اسلم نقل شده که: «این آیه درباره‌ی رهبران و کسانی که کاری از امور مردم را بر عهده دارند، نازل شده است» (ابنابی شبیه، ۱۴۰۹، ج ۷: ۵۷۱). بنابراین در اسلام، ماهیت حکومت وابسته به گروه و طبقه‌ی خاصی نیست و امانتی الهی و مردمی در دست صالحان و متقیان است و هرگز با استبداد و خودکامگی سازگار نیست؛ از اینرو خود، زمینه‌ی مشارکت همه‌ی قشرهای مردم را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی اسلام محقق خواهد کرد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۸۹).

اگر قائل برآن باشیم که حکومت، امانتی الهی در دست حکمران است، اطلاعاتی هم که حکومت در راستای عهده‌داری این امانت تحصیل می‌نماید، در عداد همان امانت قلمداد می‌شود و متعلق به صاحبان امانت خواهد

بود. حکومت پنهان‌کار از یک عیب ذاتی رنج می‌برد و با فاصله انداختن بین مردم و حکومت از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود و مردم را از داشتن آنچه حق آنهاست، محروم خواهد کرد. بنابراین باید بسترهای لازم برای شفافیت امور در جامعه فراهم گردند.

قاعده‌ی حفظ نظام

از جمله موضوعات مورد اتفاق فقها، وجوب حفظ نظام است. عقل سلیم و شرع مقدس نیز هردو بر این حکم می‌کنند که لازم است مصالح عمومی کشور و مردم بر آزادی‌های فردی ترجیح داده شود. چنانکه طبق داوری عقل و شرع، اهتمام به حفظ نظام مسلمین از واجبات مهم می‌باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۰۰). باید اشاره کنیم که منع اخلال در نظام و وجوب حفظ آن، با یکدیگر ارتباط متقابل دارند؛ چنانکه آمده است:

«حفظ نظام من الواجبات الاكیده و اختلال امور المسلمین من الأمور المغبوضه» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲:

(۶۱۹)

پیامبر اکرم (ص) در مورد لزوم فرمان‌برداری از ولی‌امر، از حاکم اسلامی با عنوان "نظام الاسلام" یاد کرده‌اند. «سخن کسی که خداوند او را امارت داده است، بشنوید و از او فرمان برید که همانا او نظام اسلام است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۲۹۸). امام رضا (ع) نیز در ضمن خطبه‌ای که الهام‌بخش شیعیان در بحث امامت است می‌فرماید: «امامت، زمام دین و مایه‌ی نظام و انسجام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است؛ امامت اساس برافراشته و فرع نمایان اسلام می‌باشد» (کلینی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۹۸).

با دقت در ادله و روح حاکم بر شریعت اسلام، آشکار می‌شود که حفظ نظام معاش مردم، علت بسیاری از احکام، و به اصطلاح از مقاصد شریعت، بوده است و شارع چه در وضع احکام و چه در اجراء هیچ‌گونه مشروعیتی برای افعالی که موجب اختلال و نابه‌سامانی زندگی مردم شود، قایل نبوده است. اسلام با دعوت صاحبان قدرت به تهذیب، سعی دارد تا قدرت سیاسی را از مفاسد احتمالی‌اش جدا کند. قاعده‌ی فقهی حفظ نظام، خود می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای اصل شفافیت مطرح گردد؛ بنابراین یکی از اصولی که می‌تواند زمینه‌ی استحکام و حفظ نظام را فراهم آورد، عمل به اصل شفافیت در حکومت اسلامی است.

«نَظْمٌ» و «نِظَامٌ» دو مصدر از فعل «نَظَّمَ» هستند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۷۸) لغت‌شناسان عرب گفته‌اند: «النَّظْمُ: التَّأْلِيفُ، وَضَمُّ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ آخَرَ وَكُلُّ شَيْءٍ قَرْنَتَهُ بآخَرَ فَقَدْ نَظَّمْتَهُ». (واسطی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷: ۶۸۹) بنابراین، وقتی چیزی به چیز دیگر ضمیمه شود و میان آنها هماهنگی و هم‌ترازی باشد، نظم محقق شده است. عرب هنگامی که مرواریدها را با نخ به هم متصل می‌کرد و جلوی پراکندگی آنها را می‌گرفت، می‌گفت: «نَظَّمْتُ اللُّؤْلُؤَ». (همان) به این عمل، تنظیم و آن نخ را که با آن این نظم محقق می‌شد، «نظام» می‌خواندند. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۷۸/طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۱۷۶) افزون بر دلایل عقلی می‌توان به ظاهر برخی از آیات قرآن برای تأیید قاعده‌ی ضرورت حفظ نظام و منع از اختلال در آن استناد کرد. این آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند:

آیات دال بر نهی از فساد

آیات بسیاری در قرآن، از فساد نهی کرده و مبعوض بودن فساد و مفسدان را با بیان‌های مختلف تکرار نموده است: بقره/۶۰ و ۲۰۵؛ اعراف/۷۴؛ مائده/۶۴ و قصص/۷۷ و ۸۳.

اختلال در نظام، یکی از مصادیق فساد است و این نقیض صلاح است؛ صلاح، آن چیزی است که حکمت ما را بدان می‌خواند و اگر کمتر از مقدار یا زیاده از مقدار باشد، صلاح نیست. (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۰۸) همچنین «فساد، خروج شیء از اعتدال است؛ چه این خروج، کم و چه زیاد باشد». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶) نهی از فساد، در برخی آیات به صورت مطلق آمده است. (بقره/۲۰۵) بر این اساس می‌توان گفت: اگر اختلال نظام معاش فساد است، به موجب این آیات، مبعوض شارع هم هست و جلوی این فساد را نیز باید گرفت.

منع فعالیت اخلاک‌گران

از برخی آیات قرآن کریم، منع فعالیت اخلاک‌گران در نظام استفاده می‌شود. حضور و فعالیت منافقان و دشمنان در درون جامعه اسلامی قطعاً برای مسلمانان مایه فساد و ناامنی، تفرقه، تردید و گمراهی خواهد بود. در آیات بسیاری، از جمله آیات ۴۶، ۴۷، ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه، خداوند متعال پیامبر را به منع از فعالیت‌های منافقانه و حضور ایشان در صفوف مسلمین دستور می‌دهد. این دستور، نمونه‌ای از منع اختلال در نظام مسلمین به شمار می‌رود. بدیهی است که هر جامعه‌ای برای حفظ نظام خود باید با اخلاک‌گران مبارزه کند. این همان چیزی است که این آیات به آنها اشاره کرده است.

تعیین مجازات برای اخلاک‌گران در نظام

در برخی از آیات برای اخلاک‌گران مجازات‌هایی در نظر گرفته است که نشان‌دهنده اهتمام شارع مقدس در حفظ نظام و منع اختلال در آن دارد: *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ ...* (مائده/۳۳)

آوردن عبارت «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» بعد از ذکر محاربه با خدا و رسول، می‌فهماند که منظور از این محاربه، افساد در زمین از راه اخلاص به امنیت عمومی و راهزنی است؛ نه مطلق محاربه با مسلمانان. بنابراین، مراد از محاربه و افساد، اخلاص به امنیت عمومی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۵، ۳۲۶) امنیت عمومی، وقتی خلل می‌پذیرد که ناامنی جای امنیت را بگیرد و طبیعتاً وقتی محارب می‌تواند چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل کند. اینکه در این آیه، محاربه و ستیز با بندگان خدا از طریق اخلاص به امنیت عمومی، محاربه با خدا معرفی شده، به دلیل اهتمام فوق‌العاده شارع به امر حقوق انسان‌ها و حمایت از امنیت آنان برای داشتن زندگی آرام و نظام‌مند است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج: ۴، ۳۶۰)

لزوم پاسخگویی به مردم

از منظر حقوقی می‌توان گفت پاسخگویی عبارت از این است که مأمور یا نماینده حکومت در برابر دیگری (برای مثال شهروند) پاسخگو باشد. در این مفهوم، مأمور، وظیفه‌ای اخلاقی یا حقوقی در برابر شهروند دارد. این اصل با مفاهیم و اصول دیگری مانند شفافیت کامل می‌شود. (Fuentes Ivan, 2008: 64)

بنابراین، اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری زمامداران که همان پاسخگویی در مقابل مردم و اصالت‌دادن به حقوق آنان است، شفافیت سیاست و مشی حکومت می‌باشد که زمینه‌ساز اعتمادآفرینی است.

از نظر امام علی^(ع)، مردم این حق را دارند که در صورت مشاهده رفتار خلاف انتظار از سوی مسئولان، نسبت به آنها بدگمان شوند و مسئولان باید پاسخگو باشند؛ بر همین اساس، به مالک‌اشتر فرموده مدیریتی

شفاف داشته باشد: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار آنان را از بدگمانی بیرون آور» (همان، نامه ۵۳). واژه‌های که حضرت^(ع) در اینجا برای شفاف‌سازی به کار برده است، تعبیر «أصحر» از «صحرا» گرفته شده است: امور و مسائل را چون صحرا در برابر دید مردمان آشکار ساز که در صحرا همه چیز آشکار است و با این شفاف‌سازی‌ات، گمان‌های بد را از خویش بگردان ... (دلشادتهرانی، ۱۳۹۵: ۲۳۱). خودشان نیز نسبت به شبهاتی که درباره عملکردشان مطرح می‌شد، پاسخگو بودند؛ چنانکه روزی مالک‌اشتر به حضرت^(ع) اعتراض کرد که چرا فرزندان عباس را به کار گماشته است؟ امام^(ع) ضمن بیان دلائل آن، با ارائه پاسخ منطقی فرمود: «هم‌اکنون اگر افرادی لایق‌تر از آنان سراغ داری، معرفی کن تا به حکومت منصوب نمایم» (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۵: ۹۹).

امر به معروف و نهی از منکر

در نظام اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» نقش عمده‌ای در توسعه سیاسی ایفا می‌کند و قرآن کریم، روایات و اصل هشتم قانون اساسی مستند این آموزه‌اند.

قرآن بهترین امت را کسانی می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (آل عمران/۱۰۴)؛ این کار در جای دیگر به‌عنوان یکی از اوصاف مومنین بیان شده است (توبه/۷۱). به‌علاوه به همگان دستور می‌دهد که یکدیگر را به نیکی دعوت کنند و از نادرستی برحذر دارند (آل عمران/۱۰۴).

حضرت رسول^(ص) در این خصوص می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۸۰۷). امام علی^(ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است» (حرانی، ۱۳۹۴: ۴۱۳).

برای عمل به «امر به معروف و نهی از منکر»، وجود چهار شرط: علم به معروف و منکر، وجود زمینه تأثیر، ارتکاب فعل منکر و اصرار بر ادامه آن، و نیز فقدان مفسده، ضروری است (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۴۸۷). از میان این شرط‌ها، علم به معروف و منکر نسبت به سایر شروط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، اجرای حکم تنها بر کسی سزاوار است که هم از مفاد حکم آگاه باشد و هم مصداق خارجی موضوع را بشناسد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵)

بنابراین، حکومت باید زمینه آگاهی عموم افراد را فراهم آورد تا مردم بتوانند به این تکلیف دینی خود عمل نمایند. آنچه امروزه در ادبیات حقوقی، سیاسی و مدیریتی «شفافیت» خوانده می‌شود، همان امکان هرگونه نقد، اظهار نظر و قضاوت صحیح راجع به جامعه و در نتیجه، تحقق «نظارت همگانی» می‌باشد. بدین ترتیب یکی دیگر از مبانی اصل «شفافیت» در رویکرد دینی را می‌توان در آموزه‌ها و تأکیدات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر جستجو کرد.

مبانی اصل شفافیت از دیدگاه نظریه حکمرانی خوب

شفافیت یکی از مؤلفه‌های بنیادین نظریه حکمرانی خوب است و برای کارکردهای آن لازم و ضروری می‌باشد. شناخت دقیق مبانی اصل شفافیت در تئوری حکمرانی خوب می‌تواند نقش بسزایی در گسترش و تقویت آن داشته باشد؛ امری که در این قسمت سعی در تبیین آن، خواهیم داشت.

دموکراسی

مفاهیم متنوعی برای دموکراسی وجود دارد. از دیدگاه تقلیل‌گرایی، دموکراسی سیستم حکومتی است که در آن شهروندان به گروهی از رهبران سیاسی حق حکومت را از طریق انتخابات دوره‌ای اعطا می‌کنند. این نظریه حکومت چندتتی و پلپارشی^۱ نیز نامیده می‌شود. (Schumpeter, ۱۹۵۰)

مفهوم جمعی^۲ دموکراسی اذعان دارد که حکومت باید به تدوین قوانین و سیاست‌هایی بپردازد که بسیار نزدیک به نظرات میانه مردم، یعنی نیمه‌ای در سمت راست و نیمه‌ای در سمت چپ باشد. (Downs, ۱۹۵۷)

در دموکراسی مستقیم^۳ هم شهروندان مستقیماً و نه از طریق نمایندگان، در ایجاد قوانین و سیاست‌ها مشارکت می‌کنند. شهروندان درحقیقت بر خود حکومت نمی‌کنند، مگر آنکه خودشان مستقیماً قوانین و سیاست‌ها را تصمیم‌گیری کرده باشند.

البته اشکال دموکراسی این است که اکثریت رای‌دهندگان تصمیم می‌گیرند نه اکثریت مردم؛ همچنین اشخاص با پشتوانه مالی امکان تأثیرگذاری بیشتری در مبارزات انتخاباتی دارند؛ بنابراین قوانینی جهت شفاف-سازی منابع مالی نامزدهای انتخاباتی موردنیاز است.

اصل حاکمیت قانون

نظریه حاکمیت قانون در واکنش به حکومت‌های خودکامه و به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت سیاسی شکل گرفت و امروزه به‌عنوان اصل بنیادین روابط دولت و شهروندان و یکی از ارکان حکمرانی خوب محسوب می‌شود. (لوران، ۱۳۸۵: ۲۱۲) میزان مشروعیت حکومت به میزان وفاداری آن به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد؛ بنابراین تصمیم‌گیری و عمل حکومت بر مبنای دلایل قانونی را می‌توان جوهره حاکمیت قانون دانست. (مرکزالمیری، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۹)

مفهوم شفافیت به‌طور تنگاتنگی با حاکمیت قانون در ارتباط است. در فضایی که مسئولیت‌ها مشخص نباشد و اطلاعاتی درمورد فعالیت‌ها در دسترس نباشد، پاسخگویی امکان‌پذیر نبوده و حاکمیت قانون خدشه‌دار خواهد شد. خدشه‌ای که حاکمیت قانون از فقدان شفافیت می‌بیند محیط را برای پایمال شدن حقوق مردم و سوءاستفاده از قدرت مهیا می‌کند (ضمیری، ۱۳۸۹: ۲۰۴). شفافیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب، همتای اصل قانونی بودن است. حاکمیت قانون نیاز به مبنای قانونی را برای اقدامات ترویج می‌کند و شفافیت، در پی عیان کردن این مبانی است.

حق مردم به آگاهی و دانستن

نخستین گام برای برقراری ارتباط میان دولت و شهروندان، آگاهی مردم از روند جریان امور و واقعیت‌هاست. شفافیت را می‌توان مقدمه‌ای بر حق آگاهی عمومی دانست. حق آگاهی، یکی از حقوق بنیادین بشری است. در یک جامعه مردم‌سالار، کل حکومت و اطلاعات به مردم تعلق دارد و حاکمان و مدیران جامعه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نماینده و وکیل مردم هستند (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳). حمایت قانونی از این حق، به‌طور فزاینده‌ای

1 Polyarchy

2 Aggregative

3 Direct

زمینه قوام دموکراسی را فراهم می‌کند و الزام دولت به انتشار اطلاعات در باب عملکرد حکومت می‌تواند باعث ارتقا دانش عمومی گردد و مبنایی برای تصمیم‌گیری آگاهانه خواهد بود (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۶). نتیجه بدیهی این حق آن است که اگر مردم بخواهند، می‌توانند در مورد هر حادثه‌ای از مسئولان پرسش کنند. به تعبیر دیگر، حق پرسش‌گری و در نتیجه تکلیف حاکمان بر پاسخگویی، لازمه طبیعی حق آگاهی آنان است. اختفا و تمایل صاحب‌منصبان به پنهان‌کاری هم نتیجه‌ای جز پرورش زمینه سوءاستفاده از قدرت، سوءمدیریت و استبداد یا به تعبیر دیگر، یک حکمرانی بد را نخواهد داشت. بنابراین هیچ دولتی نمی‌تواند رسماً حق مردم را در بهره‌مندی از اطلاعات انکار کرده و ضرورت شفافیت بخشیدن به اقدامات مقامات عمومی را به‌عنوان یک مؤلفه بنیادین حکمرانی خوب به ورطه تردید افکند. ارج نهادن به حق آگاهی شهروندان، زمینه توسعه روزافزون شفافیت نهادها را فراهم ساخته و چالش‌های پیش‌روی حکمرانی خوب را از میان خواهد برداشت.

حق آزادی بیان

آزادی بیان به معنای اظهار مطلب، نظر، عقیده و احساس، به صورت شفاهی، کتبی یا تصویری یا به هر طریق دیگر می‌باشد (مهرپور، ۱۳۸۸: ۱۶۰). آنچه غالباً در تعریف‌های ارائه‌شده از آزادی بیان بدان تأکید می‌شود آزادی افراد و فقدان مانع در بیان و اظهار اندیشه است که ممکن است با ابزارهای مختلفی صورت گیرد. این حق امروزه در ردیف آزادی‌های مدنی، سیاسی و نسل اول حقوق بشر به‌شمار می‌رود. در حالی که در قرن هجدهم میلادی در بحث آزادی بیان تأکید اصلی بر شخص فرستنده متمرکز بود، از اواخر قرن بیستم، توجهات بیشتر معطوف به افراد گیرنده شد. در این مرحله، بسیاری از دولت‌های دموکراتیک، به تدریج به‌منظور هرچه شفاف‌تر کردن عملکرد خویش، خود را ملزم کردند که اطلاعات مربوط به منافع عمومی را در اختیار عموم قرار دهند. (رضایی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۸) در یک حکمرانی خوب، آزادی بیان برای شهروندان توسط قانون، تضمین می‌شود. آزادی بیان حامی شفافیت و زمامداری عادلانه است. در یک حکمرانی خوب، نقد قدرت، پذیرفته می‌شود؛ چون در فضای نقد و گفتگو است که شفافیت حکومت‌ها شکل می‌گیرد و امروزه، از اقتضات الزامی تحقق حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود.

حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی

حاکمیت خوب، با دخالت شهروندان در تعیین مقامات حکومتی و در شکل‌گیری سیاست‌های نظام حاکم تحقق می‌یابد. تنها با تحقق این دخالت و نظارت از سوی مردم است که کارکردهای نظام در راستای تقاضاهای شهروندان تدوین، اجرا و پایش می‌گردد. (حجایی، ۱۳۸۲: ۲۸)

حق مشارکت دارای دو جزء است؛ یکی، حق آگاهی، و دیگری، حق اثرگذاری از طریق داشتن سهم در نظام تصمیم‌گیری. مردم‌سالاری بدون آگاهی نمی‌تواند تضمین‌کننده آینده‌ای روشن باشد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۶۷).

مشارکت دادن عموم مردم، در وهله اول، شامل ایجاد یک طیف وسیع از اطلاعات و راه‌حل‌های پیشنهادی، نسبت به حالتی است که یک مرجع عمومی به‌تنهایی تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهد. بنابراین هرگونه مشارکت سیاسی بدون شفافیت و دسترسی به اطلاعات مربوط به حکومت بی‌معناست. (Bojan, ۲۰۰۲: ۵۰۴)

به‌نظر برخی اندیشمندان مهمترین دلیل برای شفافیت آن است که مشارکت شهروندان را در امور سیاسی و اجتماعی تقویت می‌کند. این مبناي شفافیت بر نظریه‌های دموکراسی مشورتی تکیه دارد که در آن معتقدند شفافیت باید شامل سازوکارهایی باشد که مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها را از طریق دسترسی به روندها و برآیندهای سیاست‌گذاری و اظهارنظر در آنها ممکن می‌سازد (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۵). بدیهی است که نمی‌توان درباره عملکرد حکومتی که در خفا کار می‌کند قضاوت کرد و یا بدون دسترسی به اطلاعات، در امور عمومی مشارکت داشت؛ از این رو شفافیت شرط لازم برای حضور فعال مردم در اداره امور کشور است. مشارکت مردم در قانون‌گذاری، عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی خود است. جمهوری اسلامی ایران نیز با پذیرش نهادهای دموکراسی از این ساختار خارج نیست. لیکن لزوم تطبیق قانون‌گذاری آن با موازین شرعی و تبعیت از نظام قانون‌گذاری اسلام، بر حدود و ثغور و نحوه اعمال این موضوع تأثیر گذاشته و جلوه‌های خاص و عوامل اجتماعی ویژه‌ای را مطرح کرده است که تا اندازه‌ای با سایر نظام‌های قانون‌گذاری تفاوت دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مذکور در این مقاله در هردو دیدگاه مبانی دینی و نظریات جدید در حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی، بر مقوله شفافیت به‌عنوان یک حق عمومی تأکید گردیده است لیکن وجه‌تمایز دو رویکرد دیدگاه قرآنی و حکمرانی خوب که باعث تفاوت در مبانی اصل شفافیت می‌گردد، همانا تفاوت در مبناي حکومت است. از دیدگاه قرآن و روایات، حاکمیت مطلق و ذاتی بر جهان و انسان از آن خداوند است و حکمرانی به‌عنوان روش اعمال قدرت، با مسأله امامت و ولایت پیوند ناگسستنی دارد و امانتی از سوی خداوند است؛ اما در نگاه حکمرانی خوب، مبناي حکومت صرفاً به اراده و خواست اکثریت عددی مردم گره خورده است. بعلاوه شاخص‌های حکمرانی شایسته در قرآن و روایات براساس ارزش‌های الهی و انسانی که صرفاً نگاه مادی و اومانیستی به انسان نداشته و مطلوب و خوب‌بودن حکومت فقط به توسعه و رفاه مادی محدود نشده است. لذا حکومت را موظف به ایجاد بسترهای لازم برای وصول به قرب الهی می‌داند؛ برخلاف نظریه حکمرانی خوب در غرب که صرفاً ناظر به اهداف و نیازهای مادی و رفاه انسانی و توسعه است. همچنین ضمانت اجرای قوانین الهی اعم از تکوینی و تشریحی و آنچه را که شارع مقدس ابلاغ نموده و آنچه را که نظام قانون‌گذاری در چارچوب شرع وضع و ابلاغ کرده است علاوه بر قوانین و مقررات موضوعه، می‌تواند وجدان دینی و تعهد شرعی یک فرد مسلمان در قبال خداوند متعال باشد. اسلام با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و محور قرار دادن اخلاق و صداقت و جمع بین مراقبت‌های درونی و بیرونی، نظام انگیزشی قوی‌ای را برای عدم کتمان حقایق و تحقق شفافیت فراهم آورده است.

در پایان، پیشنهاد می‌شود با عنایت به نوپا بودن مباحث شفافیت در نظام تقنینی، اجرایی، قضایی و حوزه‌های مقرررگذاری که مرتبط با حقوق آحاد جامعه است، پژوهشگران بدان پرداخته و نسبت به تقویت حوزه‌های گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری اقدام نمایند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 آل کجیباف، حسین. ۱۳۹۱ش، حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تاکید بر پاسخگویی، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۳ (۱۰)، ۴۶-۳۱.
 آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۸۶ش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی.
 آصفی، محمدمهدی. ۱۳۸۵ش، *مبانی نظری حکومت اسلامی؛ بررسی فقهی تطبیقی*. ترجمه محمد سپهری. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
 ابن اثیر علی بن محمد. ۱۳۸۵ش، *تاریخ کامل*، جلد ۳، مترجم: سیدحسین روحانی، تهران: اساطیر.
 ابن ابی الحدید عبدالحمید بن هبه الله. ۵۵۵ق، شرح نهج البلاغه، جلد ۱۵، شریف الرضی، محمد بن حسین. ابن ابی شیبہ، ابوبکر. ۱۴۰۹ق، *مصنف فی الاحادیث و الآثار*. بیروت: دارالفکر.
 احمدی، میانجی. ۱۳۷۴ش، میرزا علی، *لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی*، قم: نشر برگزیده.
 اعرافی، علیرضا. ۱۳۸۰ش، «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی»، *فصلنامه روش شناسی علوم انسانی*، ش ۲۶.
 انصاری، باقر. ۱۳۸۶ش، *مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات*. نامه‌ی مفید، شماره ۶۱.
 _____ ۱۳۸۷ش، بررسی و نقد لایحه‌ی آزادی اطلاعات. *فصلنامه اطلاع‌رسانی*، شماره ۱۳.
 بهادر، مرتضی. ۱۳۹۰ش، بررسی موانع قانونی شفافیت در ایران، *فصلنامه دانش ارزیابی*، شماره پیاپی ۷.
 پدram، سعید و رحمانی زاده دهمکردی، حمیدرضا، ۱۳۸۱ش، شفاف‌سازی و پاسخگویی در نهادهای رسمی، *مجلس و راهبرد*: شماره ۳۶.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۴۱۰ق. *غررالحکم و درر الکلم*. تصحیح سیدمهدی رجائی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
 حبیبی، محمدحسن. ۱۳۸۲ش، بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی. *حقوق اساسی*، شماره ۱.
 حجابی، حسن. ۱۳۸۲ش، *مشارکت سیاسی و دیدگاه‌های امام علی (ع) پیرامون آن*. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه اصفهان: ش ۹ و ۱۰)
 حرانی، ابومحمد. ۱۳۹۴ش، *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: مکتبه بصیرتی.
 خمینی، روح‌الله. ۱۳۷۹ش، *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 خوانساری، جمال‌الدین محمد. ۱۳۴۶ش، *شرح غررالحکم و درر الکلم*. تهران: دانشگاه تهران.
 دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۹۵ش، *خلاصه‌ی سیره نبوی؛ دفتر سوم: سیره مدیریتی*. تهران: انتشارات دریا.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدار الشامیه
 رضایی زاده، محمدجواد و احمدی، یحیی. ۱۳۸۸ش، *مبانی حق دسترسی شهروندان به استناد و اطلاعات دولتی*، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹، د، ش ۴.
 رشیدرضا، محمد. ۱۴۲۱ق، *تفسیر المنار*. بیروت: دارالمعرفه.

زندیه حسن و حسن سالارسروی، ۱۳۹۲ش، شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، گنجینه اسناد، سال ۲۳، شماره ۸۹.

سروش محلاتی، محمد. ۱۳۷۵ش، نصیحت ائمه مسلمین: حکومت اسلامی، شماره ۱.

سیوطی، جلال الدین و محلی، جلال الدین. ۱۴۰۶ق، تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

ضمیری، عبدالحسین و نصیری، حامد رضا. ۱۳۸۹ش، حکمرانی خوب و نقش شفافیت در تحقق آن. پژوهشنامه، شماره ۵۲.

عسکری، ابوهلال. الفروق فی اللغة، ۱۴۰۰ق، محقق / مصحح: لجنة إحياء التراث العربی، چاپ چهارم، بیروت: دار الآفاق الجدیده.

عمید، حسن. ۱۳۷۸ش، فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر.

طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طبرسی، علی بن حسن. ۱۴۰۳ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، قم: مکتبه المرعشی النجفی.

طریحی، فخرالدین بن محمد علی. ۱۳۷۵ش، حسینی اشکوری، احمد، تهران: ناشر مکتبه المرتضویه.

عبدالحسین زاده، محمد و ثنائی، مهدی. ۱۳۹۴ش، تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۸، شماره ۳، تهران.

عاملی، علی بن حسین. (محقق ثانی) ۱۴۱۴ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ ۲، قم: مؤسسه آل البیت^(ع)

کاتوزیان، ناصر. ۱۳۲۸ش، آزادی بیان، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی بیان و اندیشه، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ ۱.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۴۱۹ق، الاصول من الکافی. بیروت: دار لتعارف للمطبوعات.

لوران، پش. ۱۳۸۵ش، حاکمیت قانون در فرانسه، ترجمه احمد مرکز المامیری، مجلس و راهبرد، ش ۵۱.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر. ۱۱۰۶ق، مرآة العقول، قم: نور وحی.

مرکز المامیری، احمد. ۱۳۸۵ش، حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها)، چ ۱، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محمد صالح، بن احمد. (ملا صالح مازندرانی) شرح بر اصول کافی، چ ۹، تهران: المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.

مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸ش، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا.

معین، محمد. ۱۳۶۰ش، فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیر کبیر.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۶ق، انوار الفقاهه، چ ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع).

منتظری، حسینعلی. ۱۴۰۹ق، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، قم: مؤسسه کیهان.

مهرپور، حسین. ۱۳۸۸ش، حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن، چ ۱، تهران: اطلاعات.

نائینی، محمدحسین. ۱۴۲۴ق، تنبیه الامه و تنزیه المله. تحقیق و تصحیح سیدجواد ورعی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه.

نوری الطبرسی، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آلالبیت لاحیاء التراث.

واسطی زبیدی، مرتضی. ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷، بیروت: دارالفکر.

Schumpeter. Joseph, (1950). Capitalism, Socialism, and Democracy. Harper Perennial. ISBN 0-06-133008-6

Downs. Anthony, (1957). An Economic Theory of Democracy. HarperCollins College. ISBN 0-06-041750

http://en.wikipedia.org/wiki/Campaign_finance_reform

Fuents Ivan, (2008), Transparency as a Global Goal: Towards a Unity of Principles in Global Administrative

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: نوروزپور حیدرعلی، پروین خیراله، رستمی ولی، حسینی صدرآبادی ایرج، مبانی حاکم بر شفافیت قانون گذاری از دیدگاه قرآن، روایات و حکمرانی خوب، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۹۰-۱۷۵.